

عوامل موثر بر صادرات غیر نفتی ایران

محمود هوشمند

دانشیار اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد

محمد دانش نیا*

کارشناس ارشد اقتصاد

زهرا عبدالمهی

دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه آزاد شیراز

زهرا اسکندری پور

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور مشهد

چکیده

اهمیت صادرات غیر نفتی و نقش آن در رشد و توسعه اقتصادی کشورها همواره به عنوان یکی از موضوعات مهم، مورد بررسی قرار می‌گیرد. از طرفی شناخت و میزان تاثیرگذاری عوامل موثر بر صادرات غیر نفتی می‌تواند به رشد صادرات کمک کند. بنابراین، در این مقاله با استفاده از سیستم معادلات همزمان^۱ (۲SLS) و آمار سری زمانی سال‌های (۱۳۸۸ - ۱۳۵۰) به بررسی عوامل موثر و تعیین کننده صادرات غیر نفتی ایران پرداخته شده است.

نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که درآمد جهانی و نرخ ارز حقیقی تاثیر مثبت و معنی داری بر تقاضای صادرات داشته‌اند هم‌چنین سرمایه‌گذاری زیر ساختی دولت دارای تاثیر مثبتی بر عرضه صادرات است. از طرفی به نظر می‌رسد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و مازاد تقاضای داخلی هرچند از لحاظ آماری تاثیر معنی داری بر عرضه صادرات نداشته‌اند ولی ضرایب آن‌ها به ترتیب مثبت و منفی به دست آمده است.

واژگان کلیدی: صادرات غیر نفتی، سرمایه‌گذاری زیر ساختی دولت، سیستم معادلات همزمان (۲SLS)، اقتصاد ایران.

mohammad.daneshnia@gmail.com

*- (نویسنده مسئول):

۱- Two Stage Least Square (۲SLS)

تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۲/۲۱

تاریخ دریافت: ۸۹/۷/۵

طبقه بندی JEL: F۱; F۱۳; F۱۴; F۲۱

Effective Factors of Non Oil Export in Iran

Mahmood Hoshmand

Associate professor in economics, Ferdowsi University of Mashhad

Mohammad Daneshnia

Master of Economics

Zahra Abdollahi

Graduate student of economics at Azad University of Shiraz

Zohreh Eskandaripour

Graduate student at Payam e Noor University of Mashhad

Abstract

The importance of non oil export and its role in economic development of Countries, has been considered as value subject for a long time. More over, understanding and the rate of effect factors on non oil export may help export development. Therefore in this study Withy using ۲SLS and statistic from (۱۹۷۱-۲۰۰۹), it had assessed the effective factor in the Iranian non oil export.

We have shown that, the world's income and real currency exchange rate have a positive and significant effect on export demand. Governmental fundamental investment also has a positive effect in the non oil export. Although foreign direct investment and excess internal demands not have a significant effect on export, they show a positive and a negative coefficient, respectively.

Key words: Non Oil Export, Governmental Fundamental Investment, ۲SLS, Iranian economy.

JEL: F۱; F۱۳; F۱۴; F۲۱.

۱. مقدمه

از آن جایی که فرایند ارزآوری اقتصاد ایران بیشتر به نفت و فرآورده‌های نفتی متکی است و تعیین قیمت آن‌ها در بازارهای بین‌المللی که همواره دستخوش نوسانات و تغییرات ناگهانی هستند، می‌باشد و همچنین صدور مواد معدنی و نفتی آن هم به صورت مواد اولیه و بیشتر خام، با توجه به ویژگی‌های این محصولات و تجدید ناپذیر بودن این منابع و اتکاء بیش از حد به این منابع

جهت ارز آوری برای واردات کشور موضوعی نگران کننده است لذا باید به دنبال صادرات محصولات دیگر بود. زیرا تجربه‌ی بسیاری از کشورهای جهان که با نداشتن منابع نفتی توانسته‌اند امروزه جزء کشورهای توسعه یافته قلمداد شده و محصولات تولیدی این کشورها در بازارهای جهانی دارای ارزشی چندین برابر فروش نفت و مشتقات آن می‌باشد، دیده می‌شود. بنابراین ضرورت بررسی عوامل تاثیر گذار بر صادرات غیر نفتی را بیش از پیش مشخص می‌کند.

امروزه نقش صادرات بیش از آن که به ارز آوری برای کشور مهم باشد این نقش در اشتغال، تولید، رشد اقتصادی و ظاهر می‌شود. از طرفی برای صادرات بایستی تولیدی مازاد بر مصرف داخلی داشت و این امر مستلزم تولید بیشتر است. در کشورهای کمتر توسعه یافته که از لحاظ سرمایه گذاری کمبود آن احساس می‌شود و یا روند سرمایه گذاری به کندی صورت می‌گیرد لزوم سرمایه گذاری دولت در بخش‌های زیر ساختی اقتصاد کشور برای جذب سایر سرمایه گذاری‌ها از جمله سرمایه گذاری مستقیم خارجی دیده می‌شود که این امر منجر به فراهم آمدن زمینه برای تولید و یا تولید بیشتر می‌شود که به دنبال آن تولید بیشتر منجر به صادرات بیشتر می‌شود.

هدف اصلی این تحقیق بررسی عوامل موثر بر صادرات غیر نفتی و تخمین توابع عرضه و تقاضای صادرات ایران با تاکید بر نقش سرمایه گذاری‌های زیر ساختی دولت است. بررسی و شناخت تاثیر یک سیاست تجاری، مستلزم شناخت تاثیر این سیاست همراه با دیگر عوامل است تا با شناخت و جهت تاثیر آن‌ها بر روند صادرات غیر نفتی سعی در تقویت عوامل مثبت و تضعیف عوامل منفی به عمل آید. لذا این تحقیق با استفاده از سیستم معادلات همزمان^۱ (۲SLS) و آمار سری زمانی سال‌های (۱۳۸۸-۱۳۵۰) سعی در رسیدن به اهداف مذکور را دارد.

قسمت بعدی این مقاله بدین صورت است: بخش دوم شامل پیشینه تحقیق است. بخش سوم شامل بررسی روند کلی تجارت ایران و مبانی نظری است. بخش چهارم به معرفی الگو و منابع آماری می‌پردازد. بخش پنجم، شامل برآورد الگو است و بخش آخر به جمع بندی و پیشنهادات اختصاص می‌یابد.

۲. پیشینه تحقیق

۱- Two Stage Least Square

در خصوص صادرات تحقیقات فراوانی انجام شده است که این مساله نشان دهنده اهمیت و تاثیر آن بر ساز و کار اقتصادی است. بررسی مطالعات انجام شده در این زمینه می تواند به نقش و تاثیر متغیرها در ارتباط با یکدیگر و صادرات کمک نماید. بنابراین در این قسمت مروری بر اهم مطالعات مرتبط با موضوع این مقاله می شود.

گلدستاین و خان^۱ در مقاله ای به بررسی توابع عرضه و تقاضای صادرات هشت کشور بلژیک، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، هلند، انگلستان و ایالات متحده آمریکا طی دوره زمانی سالهای (۱۹۷۰-۱۹۵۵) با استفاده از روش سیستم معادلات همزمان پرداخته اند. نتایج حاصل از مطالعه آنها نشان داده است که تمامی کشش های قیمتی در تابع تقاضای صادرات (به جز کشور ژاپن) دارای علامت منفی است و کشش های درآمدی در تمامی موارد دارای علامت مثبت هستند. هم چنین بر اساس برآورد انجام شده، ضریب صادرات در تابع عرضه دارای علامت مثبت بوده و در مورد هفت کشور (به جز ژاپن) از نظر آماری معنی دار بوده است.

(Goldstein and Khan, ۱۹۸۷)

مروار^۲ در مقاله ای به تخمین توابع تقاضای واردات و صادرات در کرواسی می پردازد. این مطالعه با استفاده از آمار ماهیانه و برای دوره ژانویه ۱۹۹۰ تا دسامبر ۱۹۹۳ و با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی (OLS) انجام شده است. نویسنده در مطالعه به جای قیمت های نسبی از شاخص نرخ ارز حقیقی استفاده کرده است. نتایج حاصل از مطالعه مذکور بیانگر یک رابطه معنی دار مثبت بین نرخ ارز حقیقی و ارزش صادرات است. (Mervar, ۱۹۴۴)

چاوانگ^۳ در پایان نامه خود به بررسی اجزای تعیین کننده تقاضای واردات و صادرات در تایلند، با استفاده از روش یوهانسون -جوسلیوس و آمار سالیانه اقتصاد تایلند در طی دوره زمانی (۱۹۵۷-۱۹۹۹) پرداخته است. نویسنده از مطالعه خود چنین نتیجه می گیرد که تقاضای واردات در بلند مدت نسبت به قیمت و درآمد باکشش تر است و از طرفی در تابع تقاضای صادرات در مورد کشش قیمتی نمی توان اظهار نظر کرد. ولی کشش درآمدی آن بالا بوده است.

۱- Goldstein and Khan

۲- Mervar

۳- Chawang

(Chawang, ۲۰۰۲)

شیرما^۱ در مقاله‌ای به بررسی عوامل تعیین کننده‌ی عملکرد صادرات هند پرداخته است. این مقاله با استفاده از آمار سالیانه طی دوره‌ی زمانی (۱۹۷۰-۱۹۹۸) و با استفاده از سیستم معادلات همزمان انجام شده است. نتایج مطالعه وی نشان داده است که افزایش قیمت به طور معکوس بر عملکرد صادرات هند تأثیر می‌گذارد و عرضه‌ی صادرات ارتباط مثبتی با مقدار صادرات دارد و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از لحاظ آماری بر عملکرد صادرات تأثیر نمی‌گذارد؛ هر چند که ضریب این متغیر مثبت به دست آمده است. (Sharma, ۲۰۰۳)

سی‌یوم^۲ در مقاله‌ای به بررسی عملکرد تجاری آمریکا و عملکرد صادراتی کشورهای توسعه یافته با استفاده از داده‌های تابلویی ۱۲۰ کشور توسعه یافته طی سال‌های (۱۹۹۰-۱۹۶۵) پرداخته است. نویسنده به این نتیجه می‌رسد که عملکرد کلی صادرات آمریکا، تأثیر معنی‌دار و مثبتی بر صادرات بخش‌های ذینفع و گروه‌های تولیدی در آمریکا دارد. از طرفی ضرورت شناخت ارتباط بین دریافت اعتبارات دولتی می‌تواند به افزایش عملکرد صادراتی آمریکا کمک کند، زیرا این موضوع می‌تواند تأثیر به‌سزایی بر صادرات داشته باشد. (Seyoum, ۲۰۰۶)

ویلکسون و براترس^۳ در مقاله‌ای به بررسی راهکارهای افزایش تجارت و عملکرد صادراتی ایالات متحده پرداخته‌اند. مطالعه آنها با استفاده از داده‌های تابلویی و آمار سال‌های (۱۹۹۹-۱۹۹۲) انجام گرفته است. نتایج حاصل از مطالعه مذکور نشان داده است که بعد از کنترل میزان تجارت عوامل مؤثر بر فرآیند صادرات، همگی تأثیر مثبتی بر عملکرد صادراتی داشته‌اند که در نتیجه شناخت عوامل مؤثر بر صادرات امری ضروری می‌باشد.

(Wilkinson and Brouthers, ۲۰۰۶)

نور و همکاران^۴ در مقاله‌ای به تخمین تابع تقاضای صادرات بنگلادش با استفاده از داده‌های سری زمانی سال‌های (۲۰۰۴-۱۹۷۳) پرداخته‌اند. نویسندگان با استفاده از آزمون هم‌جمعی

۱- Sharma

۲- Seyoum

۳- Wilkinson and Brouthers

۴- Nur et al

انگل و گرنجر به یک رابطه تعادلی بلند مدت بین بنگلادش و هر یک از ۵ کشور عمده تجاری می‌رسند و این گونه بیان می‌کنند که کشش درآمدی صادرات برای کشورهای فرانسه، آلمان و ایالات متحده، مثبت و باکشش بوده و برای کشورهای انگلستان و بلژیک مثبت اما بی‌کشش بوده است. کشش قیمتی صادرات نیز برای هر ۵ کشور به جز فرانسه منفی بوده است.

(Nur et al, ۲۰۰۷)

لاو و همکاران^۱ به بررسی رابطه میان آزادی اقتصادی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پرداخته‌اند. در این نویسندگان مطالعه مذکور با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته^۲ (GMM) و با استفاده از داده‌های تابلویی ۸۵ کشور طی سال‌های (۲۰۰۴-۱۹۷۶) به بررسی این موضوع پرداخته‌اند. نتایج مطالعه مزبور نشان داده است که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به تنهایی بر رشد اقتصادی تاثیر گذار نیست بلکه اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به میزان تاثیر آن بر صادرات بستگی دارد. (Law et al, ۲۰۱۰)

پراسانا^۳ به بررسی اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر عملکرد صادراتی هند در طی دوره زمانی سال‌های (۲۰۰۷-۱۹۹۱) پرداخته است. این نویسنده در مطالعه خود با استفاده از روش داده‌های تابلویی به این نتیجه می‌رسد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تاثیر مثبتی بر عملکرد صادراتی در هند داشته است و به سیاست‌گذاران پیشنهاد می‌کند که برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیشتر زمینه را فراهم کرده و راه کارهای رسیدن به این هدف را مورد ارزیابی قرار دهند. (Prasanna, ۲۰۱۰)

هر چند در داخل کشور نیز مطالعاتی در زمینه صادرات انجام شده است ولی در قسمت زیر به دو مورد از آنها بسنده می‌شود:

کاظم زاده و ابونوری به بررسی و برآورد عرضه و تقاضای صادرات خرمای ایران با استفاده از الگوی سیستم معادلات همزمان طی سال‌های (۱۳۸۲-۱۳۵۰) پرداخته‌اند. نویسندگان از مطالعه‌ی خود چنین نتیجه می‌گیرند که در تابع تقاضای صادرات خرما، قیمت نسبی صادرات

۱- Law et al

۲- Generalized method-of-moments

۳- Prasanna

خرما، نرخ ارز واقعی و میزان تولید خرما در سایر کشورها معنی دار بوده و در تابع عرضه صادرات خرما، مقدار صادرات، قیمت عمده فروشی داخلی، تولید داخلی خرما و ارزش صادرات دوره قبل معنی دار بوده‌اند و لذا جزء متغیرهای تاثیرگذار بر صادرات خرما، محسوب می‌شوند. (Kazemzade and Abonouri, ۲۰۰۶)

پهلوانی و همکاران به تخمین توابع تقاضای صادرات و واردات در اقتصاد ایران با استفاده از روش همجمعی خود توضیحی با وقفه‌های توزیعی (ARDL) به بررسی این موضوع پرداخته‌اند. مطالعه مذکور با استفاده از آمار سری زمانی طی دوره‌ی (۱۳۸۵ - ۱۳۳۸) انجام شده است. این نویسندگان با انجام مطالعه خود به نتایج زیر دست می‌یابند: ۱- درآمد ملی، تأثیر مثبت و معنی دار و قیمت‌های نسبی واردات و نرخ ارز تأثیر منفی و معنی داری بر تقاضای واردات دارند. ۲- در تابع تقاضای صادرات متغیرهای درآمد جهانی و نرخ ارز تأثیر مثبت و معنی دار و قیمت‌های نسبی صادراتی تأثیر منفی و معنی داری بر تابع صادرات داشته‌اند (Pahlavani and hamkaran, ۲۰۰۷)

۳. مبانی نظری

۳-۱. تجزیه و تحلیل کلی روند تجارت خارجی ایران

در سال ۱۳۵۲، که افزایش قابل ملاحظه‌ای درآمدهای ارزی کشور به وجود آمد، سیاست‌های ارزی و بازرگانی کشور، در جهت تسهیلات بیشتر در زمینه واردات تغییر یافت (Gharian, ۱۹۹۵). تحولات سیاسی کشور طی سال‌های (۱۳۵۹ - ۱۳۵۷) موجب گردید تا بازار آزاد ارز وسیله‌ای برای خروج ارز و فرار سرمایه از کشور گردد. لذا از نیمه دوم سال ۱۳۵۷، بانک مرکزی اقدام به برقراری محدودیت در زمینه خروج ارز نمود و بدین ترتیب فروش ارز جهت مصارف غیر بازرگانی محدود گردید. به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی ایران، دولت در زمینه دستیابی به اهداف بازرگانی خارجی کشور و سعی در حفظ تعادل نسبی تر از پرداخت‌ها با مشکلات متنابهی مواجه گردید. در این راستا کمیسیون تخصیص ارز به منظور نظارت و صرفه جویی در مصرف منابع ارزی و نحوه تخصیص آن به مصارف گوناگون، از آذرماه سال ۱۳۶۰، آغاز به کار نمود. از سال ۱۳۶۱ به بعد سیاست تشویق و افزایش صادرات غیر نفتی به عنوان یکی از استراتژی‌های مهم تجارت، مورد توجه دولت قرار گرفت که این سیاست تا سال ۱۳۶۷ ادامه داشت. از نیمه دوم سال

۱۳۶۸، سیاست ارزی و بازرگانی خارجی کشور در راستای سیاست تعدیل اقتصادی قرار گرفت. طی سال‌های پس از آن - در برنامه اول توسعه (۷۲-۱۳۶۸) - نیز گام‌های موثری در زمینه توسعه هر چه بیشتر صادرات غیر نفتی برداشته شد. در نهایت در سال ۱۳۷۲، با اعمال سیاست یکسان سازی نرخ ارز و اعلام نظام ارز شناور هدایت شده و همچنین اعلام نرخ ارز شناور به عنوان نرخ رسمی ارز، تحولات عمده‌ای در بخش تجارت خارجی کشور به وقوع پیوست. ساختار ضعیف اقتصاد ایران و کاهش قیمت‌های جهانی نفت، موجب گردید تا اهداف برنامه توسعه اول در زمینه تجارت خارجی حاصل نگردد. به همین دلیل در جهت کاهش وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای حاصل از نفت و توسعه بیش از پیش صادرات غیر نفتی به عنوان یکی از اهداف کیفی کلان برنامه دوم اقتصادی (۱۳۷۴-۱۳۷۸) مورد تاکید قرار گرفت. با توجه به اهمیت ویژه‌ی بخش تجارت خارجی در برنامه توسعه کشورها در برنامه سوم و چهارم توسعه بسیاری از مسائل و مشکلات بخش تجارت خارجی شناسایی شده و اقدامات موثری در جهت بهبود صادرات و هدفمند کردن واردات و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی صورت پذیرفته است. اقتصاد ایران برنامه سوم، توسعه اقتصادی را برای (۱۳۸۳-۱۳۷۹) تجربه کرد. طی سال‌های اجرای برنامه سوم وضعیت اقتصادی کشور از ثبات و رشد پایداری برخوردار گردید که بخشی از آن معلول تحولات سیاستی و مقررات‌زدایی‌های گسترده در راستای فراهم کردن نقش‌آفرینی بخش خصوصی و بخش دیگر آن ناشی از تحولات مثبت مربوط به قیمت نفت در بازارهای جهانی بوده است. صادرات غیر نفتی طی برنامه سوم توسعه با متوسط رشدی معادل ۲۲/۲ درصد، از حدود ۶/۲ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۹ به بیش از ۱۴/۴ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۳ رسید که از رشد ۱۸/۱ درصدی پیش‌بینی شده در برنامه یاد شده، بالاتر بوده است. در مجموع صادرات غیر نفتی طی برنامه سوم توسعه حدود ۵۱/۹ میلیارد دلار بوده که نشان‌دهنده تحقق حدود ۱۴۰ درصدی عملکرد نسبت به هدف برنامه است. صادرات غیر نفتی در چهار سال اول برنامه چهارم توسعه با متوسط رشدی حدود ۱۹/۶ درصد، به ترتیب به ۱۸/۳، ۲۲/۶، ۲۶/۱ و ۲۹/۶ میلیارد دلار افزایش یافت که در مقایسه با رشد پیش‌بینی شده در برنامه چهارم حدود ۷/۵ درصد بیشتر است. در مجموع در این چهار سال، بالغ بر ۹۶/۶ میلیارد دلار از محل صادرات غیر نفتی ارز وارد کشور شده که براساس آن حدود ۳۹/۲ درصد بیش از هدف برنامه محقق شده است. یکی از ویژگی‌های مهم تغییر صادرات غیرنفتی طی برنامه‌های سوم و چهارم، افزایش قابل توجه سهم صادرات

خدمات در صادرات غیرنفتی بوده به طوری که طی برنامه سوم و سال اول برنامه چهارم، به ترتیب ۴۴ و ۳۸/۵ درصد صادرات غیرنفتی به صادرات خدمات اختصاص داشته است. این در حالی است که سهم یادشده طی برنامه دوم حدود ۳۱ درصد بوده است. براساس بند «ه» ماده ۳۳ قانون برنامه چهارم، سهم صادرات کالاهای غیرنفتی از کل صادرات کالای کشور از ۲۳/۱ درصد در سال ۱۳۸۲ باید به ۳۳/۶ درصد در سال ۱۳۸۸ افزایش یابد، در حالی که عملکرد صادرات طی چهار سال اول برنامه چهارم حاکی از آن بوده که این سهم به ترتیب ۱۶/۴، ۱۸/۵، ۱۶/۵ و ۱۸/۶ درصد است. بخش قابل توجهی از این عدم تحقق را می توان به افزایش شدید درآمدهای نفتی نسبت داد. نکته مهم دیگر افزایش قابل توجه صادرات خدمات فنی و مهندسی از سال پایانی برنامه سوم (۱۳۸۳) است، به طوری که صادرات یادشده از ۲۵۰ میلیون دلار در سال ۱۳۸۱ به بیش از ۲ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۶ افزایش یافته است. در مجموع طی سه سال اول برنامه چهارم بیش از ۵/۱ میلیارد دلار خدمات فنی و مهندسی صادر شده است. یادآوری این نکته ضروری است که رقم مزبور در یازده ماهه اول سال ۱۳۸۷ بالغ بر ۲/۵ میلیارد دلار گزارش شده است (گزارش های اقتصادی بانک مرکزی، سازمان برنامه و بودجه و مرکز آمار ایران در شمارگان مختلف).

۲-۳. ارتباط بین متغیرها

در یک دسته بندی کلی می توان سرمایه گذاری را به دو قسمت داخلی و خارجی تقسیم کرد:

الف- سرمایه گذاری داخلی

کشورهای کمتر توسعه یافته فاقد تسهیلات زیر ساختی کارآمد بوده و معمولاً اقتصادهایی فقیر از نظر سرمایه یا با پس انداز اندک هستند (Sharma, ۲۰۰۳). در این کشورها نه تنها ذخایر جاری سرمایه، بلکه تمرکز سرمایه نیز بسیار اندک است.

سرمایه گذاری دولت در بخش های زیر ساختی اقتصاد کشور شامل پروژه های گسترش و ایجاد راه آهن، جاده، تولید برق، بندرگاه و.. است. به عنوان مثال سرمایه گذاری دولت در بخش احداث جاده ها می تواند باعث تسریع در حمل و نقل و کاهش هزینه های حمل و نقل کالاها شده و این مساله می تواند در کاهش قیمت تمام شده کالایی که به دست مصرف کننده می رسد اثر گذار باشد. بنابراین، کاهش قیمت تمام شده کالا باعث رقابت بیشتر کالا با مشابه خارجی آن

می‌شود.

سرمایه‌گذاری زیر ساختی دولت، زیر بنای اقتصادی را برای تولید هموار می‌کند که ثمره این امر می‌تواند افزایش تولید و به دنبال آن صادرات باشد. بنابراین، یکی از ضروریات‌های جامعه برای رسیدن به رشد و توسعه اقتصادی، فراهم می‌شود. از آن جایی که سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در زیر ساخت‌ها و به ویژه در کشورهای کمتر توسعه یافته به دلیل ماهیت این نوع سرمایه‌گذاری‌ها که همواره دیر بازده بوده و باتحولات سیاسی کشور ممکن است اصل و فرع سرمایه از بین برود، بنابراین بخش خصوصی تمایلی به سرمایه‌گذاری در این بخش برای سرمایه‌گذاری ندارند. در این جاست که دولت، در این کشورها بایستی نقش بیشتری را در امر سرمایه‌گذاری بر عهده داشته و در این بخش‌ها سرمایه‌گذاری نماید.

لزوم سرمایه‌گذاری دولت در بخش‌های زیر ساختی را می‌توان در فراهم آوردن امکانات تولید نیز در نظر گرفت. به عنوان مثال فراهم آوردن امکاناتی همچون آب، برق، گاز، زمین و... که برای تولید کالا یک ضرورت محسوب می‌شود در شرایطی که این امکانات برای یک تولید کننده فراهم باشد، به تشویق تولید کننده به تولید و یا تولید بیشتر منجر می‌شود که به طبع آن افزایش صادرات و ارز آوری چندین برابر را برای کشور در پی خواهد داشت.

تسهیلات زیر ساختی کارآمد برای کاهش قیمت‌ها، مطمئن ساختن موجودی صادرات و به دنبال آن بهبود عملکرد صادراتی ضروری است. زیرا، زیر ساخت‌های ضعیف منجر به بالا رفتن هزینه‌ها و صدمه زدن به صادرات می‌شود (Sharma, ۲۰۰۳).

ب- سرمایه‌گذاری خارجی

سرمایه‌های خارجی نیز به دو دسته سرمایه‌های خصوصی و دولتی تقسیم می‌شوند که از این میان نیز می‌توان سرمایه‌های خارجی خصوصی را به دو دسته تقسیم بندی کرد: ۱- سرمایه‌گذاری مستقیم: آن دسته از سرمایه‌گذاری‌هایی هستند که کشور سرمایه‌گذار به طور مستقیم در دارائی‌ها و منابع کشور سرمایه پذیر انجام می‌دهد و بر وثیقه‌های در نظر گرفته شده توسط کشور وارد کننده سرمایه نظارت کامل دارد. ۲- سرمایه‌گذاری غیر مستقیم که به سرمایه‌گذاری در تامین سهام نیز موسوم است و غالباً شامل تامین یا خرید اسناد اعتباری قابل انتقال که توسط دولت وارد کننده سرمایه تضمین یا منتشر می‌شود، خرید اوراق قرضه یا سهام دولت وارد کننده سرمایه توسط

افراد ملیت‌های دیگر می‌شود. (Nonezhad, ۲۰۰۴)

از آنجا که در این مقاله سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مد نظر است بنابراین به بررسی این نوع سرمایه‌گذاری خارجی پرداخته می‌شود.

در یک تعریف جامع، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^۱ عبارت است از سرمایه‌گذاری که متضمن مناسبات بلند مدت بوده و منعکس‌کننده کنترل و نفع مستمر شخصیت حقیقی یا حقوقی مقیم یک کشور (سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در شرکت مادر) در شرکتی واقع در خارج وطن سرمایه‌گذار باشد. (UN, ۱۹۹۶)

به عقیده بسیاری از اقتصاددانان نئوکلاسیک انتقال سرمایه‌های خصوصی خارجی به کشورهای در حال توسعه دارای نکات مثبتی به شرح زیر است:

۱- سرمایه‌های خارجی نه تنها وسیله مناسبی برای تامین سرمایه در کشورهای در حال توسعه است بلکه همراه با خود تکنولوژی جدید، مدیریت تشکیلات اداری، نوآوری و... را به همراه می‌آورد که اکثر کشورهای در حال توسعه یا فقدان آن‌ها روبرو هستند.

۲- بهبود روش‌های تولید به نوبه‌ی خود بخش خصوصی کشورهای میزبان را به سرمایه‌گذاری بیشتر در صنایع مختلف یا مشارکت در واحدهای تولیدی خارجی تشویق می‌کند.

۳- سرمایه‌های خصوصی خارجی با تامین سرمایه و ارز خارجی می‌تواند شکاف موجود بین حجم پس‌انداز و سرمایه‌گذاری‌های مورد نیاز و نیز کمبود ارز خارجی مورد نیاز کشور را بر طرف کند.

۴- سرمایه‌گذاری‌های خارجی، بازدهی سرمایه و نیروی کار را افزایش می‌دهد و در نتیجه دستمزد حقیقی کارگران در کشور میزبان به دلیل تقسیم کار بهتر افزایش می‌یابد.

۵- سرمایه‌گذاری‌های خارجی در مراحل اولیه شروع پروژه‌های صنعتی از فشار بر تراز پرداخت‌ها می‌کاهد. بین سرمایه‌گذاری و به بهره‌برداری رسیدن پروژه‌های صنعتی یک وقفه زمانی وجود دارد که شرکت‌های خارجی مجبور به تامین وجوه برای آن هستند. در مراحل اولیه تولید به علت اندک بودن میزان آن سود دهی نازل خواهد بود که در هر کدام از این حالات از فشار بر

تراز پرداخت‌های خارجی کشور میزبان کاسته می‌شود. اما در بلندمدت همراه با سود دهی و افزایش تولید انتقال اصل و فرع سرمایه‌های خارجی شروع می‌شود که در نتیجه فشار زیادی بر تراز پرداخت‌های این کشور وارد خواهد آمد. البته اگر سرمایه‌گذاری‌ها بیشتر جذب صنایع صادراتی شود، می‌توان از فشار بر تراز پرداخت‌ها حتی در مراحل نهایی تولید کاست (Nonezhad, 2004). با توجه به نقش دوگانه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای کمتر توسعه یافته اگر انگیزه پشت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، گرفتن بازارهای داخلی کشور باشد ممکن است که در رشد صادرات مشارکتی نداشته باشد. اگر انگیزه، کار و تقاضا برای بازار صادراتی باشد با گرفتن امتیاز رقابتی کشور، آن‌گاه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ممکن است در رشد صادرات دخیل باشد. از این رو، این نکته که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در رشد صادرات مشارکت داشته باشد یا نداشته باشد، بستگی به ماهیت صلاح‌دیدگی کشور دارد. به خوبی مشخص است دولتی که به پیشرفت خارجی بیشتر گرایش دارد به صادرات مبتنی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مشتاق است و این در حالی است دولتی که راغب به توسعه داخلی باشد، بیشتر از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای گرفتن بازار داخلی استفاده می‌کند. (World Bank, 1993) بر اساس دلایل تئوریک تنها زمانی که قیمت صادرات نسبت به قیمت داخلی افزایش یابد، مقدار صادرات نیز افزایش می‌یابد. افزایش در تقاضای داخلی موجودی صادرات را به سمت مصرف داخلی و به دنبال آن رکود صادراتی می‌کشانند (Joshi and Little, 1994). از طرفی تمایل مردم یک کشور به مصرف کالایی که در آن زمینه نیز دارای مزیت می‌باشد، می‌تواند به واردات آن کالا منجر شود.

۴. معرفی الگو و منابع آماری

به دنبال مباحث گفته شده و با توجه به مطالعه شرما (2003) به معرفی الگو برای صادرات غیر نفتی ایران پرداخته می‌شود:

بنابراین تابع تقاضای صادرات را می‌توان به صورت زیر در نظر گرفت:

$$XD = f(REER, WY, LXD, D5967) \quad (1)$$

که در آن:

XD: تقاضای صادرات (حجم کل صادرات غیر نفتی حقیقی بر حسب میلیون دلار)
REER: نرخ ارز حقیقی که به صورت زیر محاسبه شده است:

$$REER = \frac{E \times P^f}{P^d} \quad (2)$$

E: نرخ ارز اسمی می باشد و به صورت واحدهای پول داخلی در مقابل یک واحد پول خارجی تعریف می گردد (نرخ رسمی ارز دلار آمریکا بر حسب ریال).

P^f : شاخص قیمت کالاها در خارج (آمریکا)

P^d : شاخص قیمت کالاها در داخل

WY: درآمد جهانی واقعی (تولید ناخالص جهانی بر حسب میلیارد دلار)

LXD: متغیر تاخیری مقدار تقاضای صادرات

D5967: متغیر تاثیرات جنگ تحمیلی (برای سالهای جنگ مقدار یک و برای ما بقی سالها

مقدار صفر) می باشد.

تابع عرضه صادرات ایران نیز به صورت زیر معرفی می گردد:

$$XS = f\left(\frac{PX}{P}, DD, FDI, INF, LXS, D5967\right) \quad (3)$$

که در آن:

XS: عرضه صادرات (حجم کل صادرات غیر نفتی حقیقی بر حسب میلیون دلار)

PX: شاخص قیمت کالاها صادراتی ایران

P: شاخص قیمت عمده فروشی کالاها

DD: مازاد تقاضای داخلی (کسری و مازاد بودجه دولت بر حسب میلیارد ریال)

FDI: سرمایه گذاری مستقیم خارجی (بر حسب میلیون دلار)

INF: سرمایه های زیر بنایی دولت (پرداخت های عمرانی دولت بر حسب میلیارد ریال)

LXS: متغیر تاخیری مقدار عرضه صادرات

داده های مورد نیاز در این مقاله از طریق آمار منتشر شده توسط بانک مرکزی

جمهوری اسلامی ایران، نماگرهای بانک مرکزی، مرکز آمار ایران و سی دی آماری شاخص توسعه جهانی^۱ برای دوره زمانی (۱۳۸۸ - ۱۳۵۰) استخراج شده است.

۵. برآورد الگو

۵-۱. نتایج آزمون ریشه واحد

در روش‌های معمول اقتصاد سنجی، در اولین گام اطمینان از ساکن پذیری متغیرها لازم است. زیرا توجه نداشتن به این موضوع، ممکن است در برآورد رگرسیون به نتایج کاذب و به دور از واقعیت منجر شود. لذا در این مقاله برای بررسی ساکن پذیری متغیرهای مورد مطالعه از آزمون‌های ریشه واحد دیکی- فولر تعمیم یافته^۲ و فلیس- پرون^۳ در حالات مختلف استفاده شده است.

طبق نتایج حاصل از آزمون ریشه واحد، تمامی متغیرها در سطح و با عرض از مبدا و نیز در سطح - با عرض از مبدا و روند ساکن نیستند. بنابراین، در مرحله بعد آزمون ریشه واحد را با تفاضل اول متغیرها انجام داده و این نتیجه به دست می‌آید که تمامی متغیرها با یک بار تفاضل گیری ساکن می‌شوند.

در ارتباط با غیر ساکن شدن متغیرها پرون^۴ (۱۹۸۹) معتقد است که علت ساکن نشدن اغلب سری‌های زمانی اقتصاد، به علت شوکی است که به این سری‌ها وارد شده است؛ زیرا متغیرها در اصل ساکن بوده و محقق بدون توجه به این مساله به برآورد خود ادامه داده است (نوفستی، ۱۳۷۸). لذا آزمون شکست ساختاری را برای تک تک متغیرها در حالات مختلف انجام داده که بر اساس آزمون‌های انجام شده، وجود ریشه واحد در تمامی متغیرهای مورد مطالعه مشاهده می‌شود. بنابراین، علت ساکن نشدن متغیرها در این مطالعه شوک وارد شده به آنها نمی‌باشد.

از طرفی به این علت که، تمامی متغیرها دارای طول موج یکسان و از یک درجه‌ی ساکن

۱- World Development Indicator

۲- Augmented Dickey-Fuller

۳- Phillips-Perron

۴- Perron(۱۹۸۹)

پذیری یعنی (1) I بودن، برخوردار می‌باشند، لذا در چنین مواردی رگرسیون بر روی مقادیر متغیرها معنی‌دار است و رگرسیون ساختگی نیست و ضرایب و آماره‌های محاسبه شده برای سری زمانی دارای اعتبار خواهد بود. با این وجود برای آن که با یک استدلال منطقی بحث ادامه یابد، بعد از تخمین رگرسیون آزمون ریشه واحد را بر روی اجزای اخلاص رگرسیون در حالت سطح، بدون عرض از مبدا و تابع روند^۱ انجام داده که به یک ساکن پذیری قوی در این مورد منتهی شد^۲. بنابراین با اطمینان از ساکن پذیری متغیرها به برآورد معادلات پرداخته می‌شود.

۲-۵. برآورد معادلات

پس از انجام آزمون‌های تشخیصی، حذف متغیرهای بی‌معنی و غیرضروری و پی بردن به روش تخمین معادلات^۳، نتایج حاصل از برآورد تابع تقاضا و عرضه‌ی صادرات به صورت زیر آورده می‌شود:

برآورد تابع تقاضای صادرات غیر نفتی

همان طور که در قسمت معرفی الگو بیان شد، از متغیر تاخیری متغیر وابسته برای متعادل کردن الگو استفاده می‌شود (Pal, ۱۹۹۲). لذا برای به دست آوردن تعداد تاخیرهای بهینه متغیر صادرات غیر نفتی از دو معیار آکائیک^۴ (AIC) و شوارتز^۵ (SWC) استفاده شده است، که نتایج برآورد در جدول شماره (۱) آمده است.

جدول (۱): نتایج برآورد تابع تقاضای صادرات غیر نفتی

آماره t	ضرائب	متغیرهای مستقل
-۵/۶۰	-۱۵/۳۹	جزء ثابت

۱- None

۵. برای اطلاع بیشتر رجوع شود به: گجراتی (۱۳۸۵)، ترجمه ابریشمی، ص ۹۲۸-۹۲۹.

۱. دلیل استفاده از روش معادلات همزمان وجود همزمانی و این مساله که تعداد معادلات ذکر شده بیش از اندازه مقرر است، می‌باشد. از این رو از روش حداقل مربعات دو مرحله‌ای (۲SLS) برای تخمین معادلات استفاده شده است.

۴- Akaike info criterion

۵- Schwarz criterion

Ln REER	۰/۰۹	۱/۹۹
Ln YW	۱/۱۹	۵/۷۷
Ln XS(-۱)	۱/۰۱	۸/۳۰
D۵۹۶۷	-۰/۴۶	-۴/۷۶
$D.W = ۲/۲۶ \quad R_{CN}^2 = ۰/۸۶ \quad R^2 = ۰/۹۷$		

ماخذ: محاسبات محقق

طبق نتایج حاصل از جدول شماره (۱) ضریب لگاریتم متغیر نرخ ارز حقیقی (Ln REER) در سطح ۵ درصد معنی دار شده است. این ضریب نشان می‌دهد که وقتی متغیر نرخ ارز حقیقی یک درصد افزایش یابد، میزان تقاضای صادرات غیر نفتی ایران افزایش می‌یابد و از طرفی هر قدر نرخ حقیقی ارز بیشتر شود، کالای داخلی برای مصرف کننده خارجی ارزان تر شده، و لذا تقاضا برای کالاهای ایرانی افزایش می‌یابد. ضریب لگاریتم متغیر درآمد جهانی (Ln YW) نیز مثبت و معنی داری است که نشان می‌دهد با افزایش درآمد جهانی، تقاضا برای صادرات غیر نفتی ایران افزایش می‌یابد. ضریب لگاریتم تاخیری متغیر صادرات (Ln XS(-۱)) نیز مثبت و معنی داری است و این مطلب نشان از تاثیر مثبت صادرات دوره قبل بر تقاضای صادرات این دوره می‌باشد. ضریب متغیر مجازی نیز منفی و مطابق انتظار به دست آمد، زیرا در دوران جنگ به علت بمباران‌های اسکله‌ها، بنادر و... تاثیر منفی را بر تقاضای صادرات ایران بر جای گذاشته است.

همان طور که مشاهده می‌شود در قسمت آخر جدول (۱) آماره‌های خوبی برآزش مدل رگرسیون آمده است. آماره R_{CN}^2 که در سیستم معادلات همزمان به علت تغییر آماره R^2 به کار می‌رود از یک مقدار بالایی برخوردار می‌باشد که این نشان دهنده توضیح دهندگی بالای متغیرهای مستقل مدل می‌باشد.

۱. در سیستم معادلات همزمان مقدار R^2 در فاصله $(-\infty, 1)$ تغییر می‌کند بنابراین، جهت تعیین قدرت توضیح دهندگی متغیرهای مستقل از R_{CN}^2 [Carter-Nager R^2] که تفسیری شبیه به R^2 دارد، استفاده می‌شود. این آماره به صورت زیر است:

$$R_{CN}^2 = \left[1 - \frac{MSE}{\sigma_Y^2} \right]$$

MSE: میانگین مربع خطا و σ_Y^2 : واریانس متغیر وابسته است.

برآورد تابع عرضه صادرات غیر نفتی

نتایج تخمین تابع عرضه صادرات غیر نفتی ایران نیز به صورت همزمان و با رفع مشکلات اقتصادسنجی، از جمله خود همبستگی و... برآورد گردید. که نتایج حاصل از این برآورد در جدول (۲) آمده است.

جدول (۲): نتایج برآورد تابع عرضه صادرات غیر نفتی

متغیرهای مستقل	ضرائب	آماره t
جزء ثابت	۳/۱۸	۶/۹۳
Ln (PX/P)	۰/۳۸	۵/۴۴
DD	-۶/۸۱	-۰/۸۷
FDI	۲/۶۲	۱/۴۷
Ln INF	۰/۲۱	۴/۲۲
LnXS(-۱)	۰/۸۳	۶/۶۷
D۵۹۶۷	-۰/۳۶	-۴/۶۳
$D.W = ۲/۳۶ \quad R_{CN}^2 = ۰/۸۸ \quad R^2 = ۰/۹۸$		

ماخذ: محاسبات محقق

همان‌طور که مشاهده می‌شود ضریب لگاریتم متغیر قیمت‌های نسبی صادراتی (Ln PX/P) در ارتباط با صادرات غیر نفتی مثبت و معنی دار به دست آمد. به این معنا که یک درصد افزایش در قیمت‌های نسبی صادراتی سبب ۳۸ درصد افزایش در عرضه صادرات غیر نفتی می‌شود. از آنجایی که مقدار این ضریب نسبت به سایر متغیرهای معنی دار و اثرگذار در تابع عرضه صادرات (به جز متغیر تاخیری صادرات در دوره قبل) بیشتر می‌باشد ما را به اهمیت آن در ارتباط با عرضه صادرات رهنمود می‌سازد. ضریب لگاریتم متغیر سرمایه‌های زیر ساختی دولت (Ln INF) نیز مثبت و معنی دار به دست آمد همچنین ضریب لگاریتم متغیر تاخیری عرضه صادرات غیر نفتی ((Ln XS(-۱) و متغیر مجازی جنگ (D۵۹۶۷) نیز کاملاً معنی دار و ضرایب به دست آمده مطابق انتظار می‌باشند. از طرفی متغیر مازاد تقاضای داخلی (DD) و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) با این وجود از لحاظ آماری معنی دار نشدند ولی با توجه به ضرایب به دست آمده که مطابق انتظار هستند می‌توان به نقش آن‌ها بر تابع عرضه صادرات غیر نفتی ایران پی برد.

۶. جمع بندی و پیشنهادات

با توجه به نقش صادرات غیر نفتی و اتکاء بیش از حد کشور به نفت و فرآورده‌های نفتی ضرورت انجام این تحقیق مشاهده می‌شود، زیرا درآمدهای نفتی با توجه به نوسان آنها به عنوان یک منبع درآمدی قابل اطمینان برای دولت به حساب نمی‌آید. لذا در این مقاله از روش سیستم معادلات همزمان حداقل مربعات دو مرحله‌ای (2SLS) برای برآورد توابع عرضه و تقاضای صادرات غیر نفتی ایران طی دوره زمانی (۱۳۸۸ - ۱۳۵۰) استفاده شد. که نتایج حاصل از تحقیق نشان دهنده تاثیر مثبت و معنی‌دار نرخ ارز حقیقی و درآمد جهانی بر تابع تقاضای صادرات غیر نفتی ایران است. از طرف دیگر نتایج تحقیق حاکی از تاثیر مثبت و معنی‌دار سرمایه‌های زیر ساختی دولت و قیمت‌های نسبی صادراتی بر تابع عرضه صادرات غیر نفتی ایران است. لذا از آن جایی که تاثیر این دو متغیر بر تابع عرضه صادرات ایران مثبت به دست آمد بایستی به نقش این دو متغیر بیشتر توجه داشت.

ضریب متغیر مجازی جنگ در تابع عرضه و تقاضای منفی و کاملاً معنی‌دار به دست آمد که نشان دهنده تاثیر مخرب جنگ بر صادرات ایران می‌باشد همچنین متغیر تاخیری صادرات نیز بر عرضه و تقاضای صادرات تاثیر مثبت و معنی‌دار داشت. متغیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و مازاد تقاضای داخلی نیز به ترتیب دارای علامت مثبت و منفی به دست آمدند که نشان دهنده نوع ارتباط آنها با تابع عرضه صادرات غیر نفتی است. لازم به ذکر است که این ضرایب از لحاظ آماری معنی‌دار نشدند.

با توجه به نتایج حاصل از این مقاله به دولتمردان و متولیان امر پیشنهاد می‌گردد که با توجه به تاثیر مثبت سرمایه‌گذاری‌های زیر ساختی دولت بر صادرات غیر نفتی به لزوم این سرمایه‌گذاری‌ها توجه بیشتری کنند و این در حالی است که اهمیت این متغیر و تاثیر آن می‌تواند به سرعت رشد و توسعه اقتصادی کمک کند و از طرف دیگر ممکن است این امر سبب جذب سرمایه‌گذاری‌های بیشتر و بالطبع معنی‌دار شدن ضریب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در اقتصاد شده و افزایش تولید و صادرات که ثمره آن افزایش رشد اقتصادی است را به ارمغان آورد.

References:

- ۱- Central Bank of the Islamic Republic of Iran, the economic accounts, Foreign

- Trade Statistics Yearbook of various years* (in Persian).
- ۲- Chawang, O. (۲۰۰۲), “A Thesis for the Degree MA, Presented to the faculty of California State University, Fulerton.
- ۳- *Economic report and balance sheet of the Central Bank of Iran* (in Persian).
- ۴- Goharian, M.E. (۱۹۹۵),”**Management of non-oil exports**”, *Institute of Business Studies and Research* (in Persian).
- ۵- Gojarati, D. (۲۰۰۶), “**Principles of econometrics**” , *translation: Hamid Abrishami. ۲th Ed, Vol ۲, Publications of Tehran University* (in Persian).
- ۶- Goldstein , M. and M. S. Khan. (۱۹۷۸), “**The Supply and Demand for Exports: A Simultaneous Approach**”, *Review of Economics and Statistics, Vol: ۶۰, pp: ۲۷۵-۲۸۶.*
- ۷- Joshi, V. and I. M. D. Little. (۱۹۹۴), *India: Macroeconomics and Political Economy ۱۹۶۴-۱۹۹۱. Washington, DC: World Bank.*
- ۸- Kazem Zadeh, L. Abonoory, A.A. (۲۰۰۶) “**Supply and demand functions estimated date of export to Iran ,using a model system of simultaneous equations**”, *journal of Agricultural Economics and Development*, No ۵۴, pp. ۱۲۴-۱۰۳ (in Persian).
- ۹- Law, S.H. and et al. (۲۰۱۰),”**Foreign direct investment, economic freedom and economic growth: International evidence**”, *Economic Modelling*, Vol ۲۷ , pp: ۱۰۷۹-۱۰۸۹.
- ۱۰- Mervar, A. (۱۹۹۴), “**Estimates of the Traditional Export and Import Demand Functions in the Case of Croatia**”, *Croatian Economic Survey, Vol: ۱, pp: ۷۹-۹۳.*
- ۱۱- Nofrsty, Mohammad. (۱۹۹۷),”**unit of mass in econometrics**”, *Printing, Tehran: Institute for Cultural Services Rasa.* (in Persian).
- ۱۲- Nonezhad, M. (۲۰۰۴) “**international trade, The role of trade unions, regional policies and strategies in the development process**”, Vol ۲, *Publications of Azad University of Shiraz* (in Persian).

- ۱۳- -----, "international trade, International business organizations, foreign investment and multinational companies", Vol ۳, *Publications of Azad University of Shiraz* (in Persian).
- ۱۴- Nur, M. and et al. (۲۰۰۷), "Estimation of the Export Demand Function using Bilateral Trade Data: The Case of Bangladesh", *South Asia Economic Journal*, Vol ۸, pp: ۲۴۹-۲۶۴.
- ۱۵- Pahlavani, M. Dahmrdeh, N. (۲۰۰۷), "estimates the demand for import and export functions in the Iranian economy by using the Convergence ARDL", *Journal of Economic*, No ۳, pp. ۱۲۰-۱۱۰ (in Persian).
- ۱۶- Pal, S. (۱۹۹۲), "Agricultural exports of India: Issues growth instability", *Ind. J. of. Ag. Econ*, Vol ۴۷, pp: ۱۸۳-۱۹۴.
- ۱۷- *Plan and Budget Organization, Statistical time series of economic data - social, various years, Documents Center economic of Tehran* (in Persian)..
- ۱۸- Prasanna, N. (۲۰۱۰), "Impact of Foreign Direct Investment on Export Performance in India", *J Soc Sci*, Vol ۲۴, pp: ۶۵-۷۱.
- ۱۹- Seyoum , B. (۲۰۰۶), "US trade preferences and export performance of developing countries: Evidence from the generalized system of preferences", *International Business Review*, Vol ۱۵, pp: ۶۸-۸۳.
- ۲۰- Sharma, K. (۲۰۰۳), "Factors determining India's export performance", *Journal of Asian Economics*, Vol ۱۴, pp: ۴۳۵-۴۴۶.
- ۲۱- UN, W. I. R. (۱۹۹۶), "Investment, Trade and International Policy Arrangments, New York and Geneva".
- ۲۲- UNCTAD, *World Investment Report*, Geneva, (۱۹۹۶).
- ۲۳- Wilkinson , T. and L. E. Brouthers. (۲۰۰۶), "Trade promotion and SME export performance", *International Business Review*, Vol ۱۵, pp: ۲۳۳-۲۵۲.

۲۴- World Bank. (۱۹۹۳), *The East Asian miracle*, London: Oxford University Press.

۲۵- World Bank. *World Development Indicators: CD-Rom, WDI* (۲۰۰۸).

Received: ۲۷, Sep, ۲۰۱۰

Accepted: ۱۲, Mar, ۲۰۱۰